

استعاره و آمیختگی مفهومی در تحلیل انتقادی گفتمان کارتون‌های سیاسی ایران

شادی انصاریان^۱، نگار داوری اردکانی^{۲*}

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

۲. دانشیار زبان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۰۲

دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۴

Conceptual Metaphor and Blending in Critical Discourse Analysis of Iran's Political Cartoons

Shadi Ansarian¹, Negar Davari Ardakani^{2*}

1. Ph.D. Candidate in Linguistics, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

2. Associate Professor of Linguistics, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Received: 2021/04/24

Accepted: 2022/01/22

10.30473/jl.2022.58571.1458

Abstract

Cartoons are media tools published in many newspapers, magazines, Internet news websites and even virtual networks on various fields and themes. They play an important role in expressing and mediating different political, social, economic and cultural concepts. Conceptual metaphor and blending, as cognitive processes and communicative-discursive tools, are frequently used in cartoons. These metaphors are often pictorial or verbal-pictorial. The present study investigated a sample of political cartoons published in Fars news agency based on the framework of Conceptual Metaphor Theory (Lakoff & Johnson, 1980), Multimodal Metaphor Theory (Forceville, 1994, 1996, 2009) and Conceptual Blending (Fauconnier & Turner, 2002). The aim of the study is to analyze the role and importance of conceptual metaphor and blending in political cartoons to determine how cognitive, communicative and discursive aspects of metaphors interact with each other in these cartoons. The results of the research show that the metaphor 'JCPOA is a patient' adopted from Hassan Rouhani's speech may give rise to several conceptual mappings between the two conceptual spaces of 'surgery room' and 'JCPOA agreement' and the argumentative function of this metaphor may well justify Iran's decision to reduce its commitments under JCPOA.

Keywords: Political Cartoon, Pictorial Metaphor, Multimodal Metaphor, Conceptual Blending, Conceptual Metaphor, Critical Metaphor Analysis, Sociolinguistics.

چکیده

کارتون یکی از ابزارهای رسانه‌ای است که در بسیاری از روزنامه‌ها، مجلات، پایگاه‌های خبری اینترنتی و حتی شبکه‌های مجازی در حوزه‌ها و زمینه‌های مختلف منتشر می‌شود و نقش مهمی در بیان و انتقال مفاهیم گوناگون سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و غیره دارد. در کارتونها از استعاره و آمیختگی مفهومی به‌عنوان فرآیندهای شناختی و ابزارهای ارتباطی-گفتمانی، استفاده وسیعی صورت می‌گیرد. این استعاره‌ها اغلب از نوع تصویری یا تصویری-زبانی هستند. در این پژوهش در چارچوبی تلفیقی از نظریه استعاره مفهومی (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰)، نظریه استعاره‌های چندوجهی (فورسویل، ۱۹۹۴، ۱۹۹۶، ۲۰۰۹) و نظریه آمیختگی مفهومی (فوکونیه و ترنر، ۲۰۰۲) به تحلیل انتقادی نمونه‌ای از کارتونها سیاسی منتشرشده در پایگاه خبری فارس پرداخته می‌شود. هدف از این تحلیل آن است که نقش و اهمیت استعاره و آمیختگی مفهومی در تحلیل انتقادی گفتمان کارتونها سیاسی ارزیابی گردد تا مشخص شود چگونه جنبه‌های شناختی، ارتباطی و گفتمانی استعاره‌ها در این نوع کارتونها با هم در تعامل قرار می‌گیرند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که تجلی استعاره «برجام بیمار است» که برگرفته از سخنرانی حسن روحانی است، موجب شکل‌گیری تناظرهای مفهومی متعددی بین دو فضای مفهومی «عمل جراحی» و «توافق برجام» در کارتونها می‌شود و کارکرد استدلالی این استعاره به‌خوبی تصمیم ایران برای کاهش تعهدات برجامی را موجه می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: کارتون سیاسی، استعاره تصویری، استعاره چندوجهی، استعاره مفهومی، آمیختگی مفهومی، تحلیل انتقادی استعاره، زبان‌شناسی اجتماعی.

*Corresponding Author: Negar Davari Ardakani

Email: negar.davariardakani@gmail.com

* نویسنده مسئول: نگار داوری اردکانی

مقدمه

کارتون که آن را کاریکاتور نیز می‌نامند^۱، یکی از ابزارهای رسانه‌ای است که در روزنامه‌ها، مجلات، پایگاه‌های خبری اینترنتی و حتی شبکه‌های مجازی برای بیان و انتقال مفاهیم گوناگون سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، ورزشی و غیره به کار می‌رود. آنچه در کارتونها بیش از هر چیز جلب توجه می‌کند، بازنمایی واقعیت به گونه‌ای طنزآمیز، انتقادی و اعتراضی است که توسط تصویری صورت می‌گیرد که معمولاً همراه با یک پاره‌گفتار زبانی به‌عنوان توضیح به کار می‌رود.

کارتون سیاسی^۲ یکی از انواع کارتونها است و گونه‌ای (= زانر) از گفتمان سیاسی به شمار می‌رود که در اواسط قرن بیستم میلادی وارد قلمرو مسائل زبان‌شناختی شده و مسئله‌ای جدی در حوزه زبان‌شناسی امروزی به شمار می‌آید. کارتون سیاسی یک متن آمیخته یا تلفیقی^۳ است که سطوح زبانی و تصویری را با هم درمی‌آمیزد و دارای ویژگی‌های پیرا زبانی نیز هست (دوگالیچ^۴، ۲۰۱۸: ۱۵۸). از این لحاظ این کارتونها را باید متونی آمیخته دانست که می‌توانند از دیدگاه زبان‌شناسی و به‌ویژه با استفاده از رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی مورد مطالعه قرار گیرند. از نظر متئوس^۵ (۲۰۱۶: ۱۹۶)، کارتونها سیاسی ابزارهای ارتباطی نیرومندی هستند که همزمان برای اهداف سلب/جلب توجه، طنز، ارایه نقد و تفسیر به کار گرفته می‌شوند. بنابراین، کارتونها سیاسی از جمله مؤلفه‌های کلیدی ارتباطات سیاسی‌اند. به عبارت دیگر، این نوع کارتونها ابزاری جهانی برای گفتگوی سیاسی درون حاکمیت‌ها (دولت‌ها) و جوامع و میان آنها هستند؛ یعنی نظر یا واکنش‌های جامعه را نسبت به یک رویداد سیاسی، مجموعه‌ای از رویدادهای سیاسی یا چهره‌ای سیاسی در سطح ملی یا جهانی به تصویر می‌کشند (دوگالیچ، ۲۰۱۸: ۱۵۸). اغلب این واکنش‌های کارتونی در قالب استعاره‌ها بیان می‌شوند. یکی از دلایل کاربرد استعاره در کارتونها را می‌توان تلطیف نحوه بیان مواضع انتقادی نسبت به مسائل سیاسی، اجتماعی یا فرهنگی دانست (لان^۶ و زو^۷، ۲۰۱۶: ۲۰).

استعاره به‌عنوان یکی از فرایندهای شناختی که جایگاهی

اساسی در نظام تفکر انسان و تجلی گسترده‌ای در زبان روزمره او دارد، در کارتونها نیز نقش بارزی ایفا می‌کند. استعاره‌های مورد استفاده در کارتونها اغلب از نوع استعاره زبانی-تصویری^۸ هستند. این استعاره‌ها در زمره استعاره‌های چندوجهی^۹ قرار می‌گیرند و در چارچوب نظریه‌ای با همین نام (فورسویل^{۱۰}، ۱۹۹۴، ۱۹۹۶، ۲۰۰۹) قابل بررسی هستند. نظریه استعاره چندوجهی فورسویل می‌کوشد تجلی استعاره را علاوه بر زبان، در وجوه غیرزبانی مانند تصویر و فیلم نیز بررسی کند. علاوه بر استعاره، آمیختگی مفهومی^{۱۱} نیز در کارتونها سیاسی بسیار رایج و پرکاربرد است (برگن، ۲۰۰۴؛ کولسون^{۱۲}، ۲۰۰۵).

با توجه به آنچه گفته شد، پژوهش حاضر می‌کوشد به بررسی نقش سازوکارهای شناختی استعاره و آمیختگی مفهومی در مفهوم‌سازی پیام نهفته در کارتونها سیاسی بپردازد و اهمیت این سازوکارهای شناختی را در تحلیل کارتونها سیاسی نشان دهد. برای این منظور، تلفیقی از نظریه استعاره مفهومی^{۱۳} (لیکاف^{۱۴} و جانسون^{۱۵}، ۱۹۸۰؛ لیکاف، ۱۹۹۳)، نظریه آمیختگی مفهومی (فوکونیه^{۱۶} و ترنر^{۱۷}، ۲۰۰۲) و نظریه استعاره چندوجهی (فورسویل، ۱۹۹۴، ۱۹۹۶، ۲۰۰۹) چارچوب نظری پژوهش را تشکیل خواهد داد. براساس این نظریه‌ها، استعاره‌های چندوجهی، استعاره‌های مفهومی و آمیختگی‌های مفهومی در یک نمونه کارتون سیاسی درباره توافقی هسته‌ای ایران با کشورهای ۵+۱ (موسوم به برجام) که در خبرگزاری فارس منتشر شده است، استخراج و بررسی می‌شوند. همچنین، از آنجا که به باور دوگالیچ (۲۰۱۸) مطالعه کارتونها سیاسی زیرمجموعه زبان‌شناسی و به‌طور خاص زبان‌شناسی سیاسی قرار می‌گیرد و واحد مطالعه در این کارتونها متن است، که به‌طور سنتی موضوع مطالعات زبان‌شناسی بوده است، متن کارتونها سیاسی را باید نوعی متن سیاسی دانست که در پشت آن گفتمانی سیاسی نهفته است. این متن در خدمت ارتباط و تعامل سیاسی است که از جمله مسائل مورد مطالعه زبان‌شناسی به شمار می‌آید و بنابراین می‌تواند از دیدگاه

8. verbopictorial metaphor

9. Multimodal Metaphor

10. Forceville

11. conceptual blending

12. Coulson

13. Conceptual Metaphor Theory (CMT)

14. Lakoff

15. Johnson

16. Fauconnier

17. Turner

۱. در متون فارسی غالباً از واژه کاریکاتور به‌جای کارتون استفاده می‌شود.

2. political cartoons

3. creolized text

4. Dugalich

5. Mateus

6. Lan

7. Zuo

پژوهشگران غیرایرانی در مقایسه با هم‌تایان ایرانی خود توجه بیشتری به تحلیل کارتون‌های سیاسی با رویکردهای زبان‌شناختی و به‌ویژه با رویکرد زبان‌شناسی شناختی و تحلیل گفتمان انتقادی داشته‌اند. برگن (۲۰۰۴) نقش سازوکارهای شناختی از جمله آمیختگی و استعاره مفهومی را در کارتون‌های سیاسی مرتبط با واقعه ۱۱ سپتامبر بررسی کرده است. ساکونا^۳ (۲۰۰۹) به بررسی تعامل بین زبان و تصویر در تعدادی از کارتون‌های سیاسی منتشرشده در روزنامه‌های یونانی طی سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵، با تمرکز بر جنبه‌های طنز آنها، پرداخته است. لان و زو (۲۰۱۶) استعاره‌های زبانی-تصویری را در کارتون‌های سیاسی با موضوع سلامت غذایی در چارچوب دو نظریه استعاره مفهومی و استعاره چندوجهی بررسی کرده‌اند. کان^۴ و رو^۵ (۲۰۱۸) با هدف درک چگونگی تعامل بین استعاره و آمیختگی مفهومی در انتقال معنای موردنظر کارتون‌ها، به بررسی کارتون‌های سیاسی پرداخته‌اند. علاوه بر پژوهش‌های ذکرشده، چندین مطالعه دیگر نیز پیرامون تحلیل زبان‌شناختی کارتون‌های سیاسی انجام شده است که عبارتند از سانی^۶ و دیگران (۲۰۱۲)، آلوסקو^۷ (۲۰۱۳) و دالالا^۸ و (۲۰۱۴).

چارچوب نظری

در این پژوهش از سه نظریه کلیدی در زبان‌شناسی شناختی به‌عنوان چارچوب تحلیلی استفاده می‌شود که عبارتند از نظریه استعاره مفهومی (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰؛ لیکاف، ۱۹۹۳)، نظریه استعاره چندوجهی (فورسویل، ۱۹۹۴، ۱۹۹۶، ۲۰۰۹) و نظریه آمیختگی مفهومی (فوکونیه و ترنر، ۲۰۰۲).

استعاره مفهومی

نظریه استعاره مفهومی (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰؛ لیکاف، ۱۹۹۳) یکی از نظریه‌های شناخته‌شده و اساسی در معناشناسی شناختی است که می‌گوید ادراک ما از جهان پیرامون بر اساس استعاره استوار است و استعاره‌های زبانی^۹ که در گفتار روزمره افراد ظاهر می‌شوند، در واقع تجلی استعاره‌های مفهومی هستند که در ذهن افراد شکل گرفته‌اند. لیکاف در این رابطه می‌نویسد: «استعاره اساساً یک پدیده مفهومی (در ذهن) است و نه یک پدیده زبانی» (۱۹۹۳):

تحلیل گفتمان انتقادی مورد مطالعه قرار گیرد. از این رو، به منظور بررسی سازوکارهای شناختی دخیل در بیان ایدئولوژی‌ها و نگرش‌های سیاسی در کارتون موردنظر، از رویکردهای پژوهشگرانی چون لیکاف (۲۰۰۲) و چارتریس-بلک^۱ (۲۰۱۱) که استعاره را در تحلیل گفتمان انتقادی مورد مطالعه قرار داده‌اند نیز استفاده خواهیم کرد.

پیشینه پژوهش

تا جایی که نگارندگان اطلاع دارند پیرامون تحلیل کارتون‌های سیاسی در متون فارسی با رویکرد زبان‌شناسی تنها یک پژوهش در ایران انجام شده است. پوراابراهیم (۱۳۹۵) بازنمایی ایدئولوژی را در کاریکاتورهای سیاسی بر اساس دو رویکرد معناشناسی شناختی و تحلیل انتقادی گفتمان مطالعه کرده است. وی منتحبی از کاریکاتورهای سیاسی منتشرشده در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ با موضوع جنگ‌افروزی آمریکا را براساس نظریه استعاره چندوجهی فورسویل (۱۹۹۴) و نیز رویکرد موسلف^۲ (۲۰۱۲) به نقش استعاره‌ها در تحلیل انتقادی گفتمان، مورد ارزیابی قرار داده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که در بیشتر کاریکاتورها ادعاهای آمریکایی (آزادی، صلح، امنیت) در قلمرو مقصد استعاره تجلی یافته است. همچنین کاریکاتوریست‌ها تلاش کرده‌اند مفاهیم آزادی، صلح و امنیت آمریکایی را با استفاده از قلمرو مبدأ جنگ بازتولید و بازتعریف کنند. این نتایج همچنین نشان می‌دهد که استعاره‌های زبانی-تصویری در کاریکاتورها ابزاری مطلوب در جهت رسیدن به اهداف ایدئولوژیک پیام کاریکاتور محسوب می‌شوند و جنبه طنز آنها به دلیل تقابل ایدئولوژیک بسیار زیاد میان مفهوم جنگ از یک سو و مفاهیم صلح، آزادی و امنیت از سوی دیگر است. این تقابل ایدئولوژیک همان هدف گفتمانی موردنظر کاریکاتوریست است که آن را به‌صورت بصری یا کلامی-بصری آشکار می‌سازد.

در پژوهش پوراابراهیم (۱۳۹۵) نظریه آمیختگی مفهومی به‌عنوان مبنای نظری مورد استفاده قرار نگرفته و موضوع کارتون‌های مورد مطالعه آن جنگ‌افروزی آمریکا بوده است؛ اما در پژوهش حاضر، تحلیل‌ها براساس نظریه آمیختگی مفهومی انجام می‌شود و موضوع کارتون مورد مطالعه سیاست خارجی ایران و به‌طور خاص توافق برجام است.

3. Tsakona

4. Kwon

5. Roh

6. Sani

7. Alousque

8. Dālālālu

9. linguistic metaphor

1. Charteris-Black

2. Musolf

۲۴۴). به عبارت دیگر، استعاره را باید پدیده‌ای شناختی دانست و آنچه بر زبان می‌آید نمود آن پدیده شناختی است. کووچش^۱ نیز استعاره‌های مفهومی را نقطه مقابل استعاره زبانی می‌داند و اظهار می‌دارد که از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی «استعاره عبارت است از درک یک قلمرو مفهومی^۲ در قالب یک قلمرو مفهومی دیگر» (۲۰۱۰: ۴)؛ به‌عنوان مثال، درک زندگی به‌مثابه سفر، درک بحث و جدل به‌مثابه جنگ و درک عشق به‌مثابه سفر. آن قلمرو مفهومی که ما از آن عبارات استعاری را استخراج می‌کنیم تا قلمرو مفهومی دیگری را درک کنیم، قلمرو مبدأ و آن قلمرو مفهومی را که به این صورت درک می‌شود قلمرو مقصد می‌نامند. بنابراین، در مثال‌های مذکور زندگی، بحث و جدل، و عشق قلمروهای مقصد و سفر و جنگ قلمروهای مبدأ هستند. قلمرو مقصد قلمروی است که ما سعی می‌کنیم به واسطه کاربرد قلمرو مبدأ، آن را درک کنیم (کووچش، ۲۰۱۰: ۱۴-۱۶). استعاره‌های زبانی واژه‌ها یا عبارت‌های زبانی‌اند که قلمرو مفهومی ملموس‌تر (یعنی قلمرو مقصد) را در زبان گفتاری یا نوشتاری پدیدار می‌سازند (کووچش، ۲۰۱۰: ۳).

همان‌طور که گیبز^۳ (۲۰۰۸: ۳) اشاره می‌کند، استعاره فقط یک جنبه تزینی برای زبان نیست، بلکه یک فرایند اساسی است که مردم به‌واسطه آن جهان پیرامون و کنش و کردار خود را مفهوم‌سازی می‌کنند. با توجه به این ادعا و دیدگاه زبان‌شناسان شناختی، لازم است پژوهشگران استعاره را نه فقط در زبان بلکه در دیگر شیوه‌های ارتباطی همچون تصویر، موسیقی، فیلم و حرکات بدنی نیز جستجو کنند. اینجا است که پای نظریه استعاره چندوجهی به میان می‌آید که در بخش بعدی به آن خواهیم پرداخت.

استعاره چندوجهی، استعاره تصویری

نظریه استعاره چندوجهی توسط فورسویل (۱۹۹۴، ۱۹۹۶، ۲۰۰۹) ارائه شده است. هدف نظریه این است که تجلی استعاره را در وجوه غیرکلامی مانند تصویر و فیلم مورد کنکاش قرار دهد. برای ارائه تعریفی از استعاره چندوجهی ابتدا لازم است که تعریفی از وجه^۴ ارائه شود. فورسویل (۲۰۰۹: ۲۲) وجه را یک نظام نشانه‌ای می‌داند که به کمک یک فرایند ادراکی خاص تفسیرپذیر است و بدین طریق بین

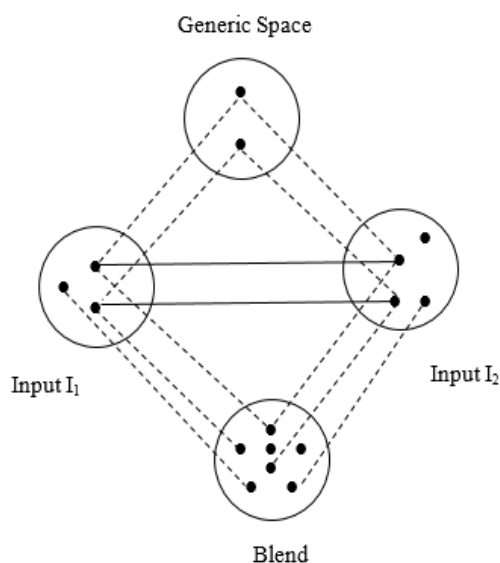
مفهوم «وجه» با حواس پنجگانه ارتباط برقرار می‌کند. وجوه مختلف از نقطه‌نظر فورسویل عبارتند از: (۱) وجه تصویری یا دیداری؛ (۲) وجه صوتی یا شنیداری؛ (۳) وجه بویایی؛ (۴) وجه چشایی؛ (۵) وجه لامسه‌ای. اما خود فورسویل این طبقه‌بندی را ناپخته و ناقص می‌داند، چرا که وجه صوتی (یا شنیداری) هم در زبان گفتاری، هم در موسیقی و هم در صداهای غیرزبانی وجود دارد. به همین ترتیب، هم زبان نوشتاری و هم اداها و حرکات بدن جزو وجه بصری قرار می‌گیرند. فورسویل (۲۰۰۹: ۲۳) نهایتاً فهرستی از وجوه مختلف را به این صورت ارائه می‌دهد: (۱) نشانه‌های تصویری؛ (۲) نشانه‌های نوشتاری؛ (۳) نشانه‌های گفتاری؛ (۴) حرکات بدن؛ (۵) صداهای غیرزبانی؛ (۶) موسیقی؛ (۷) بوها؛ (۸) مزه‌ها؛ (۹) لامسه. استعاره می‌تواند در وجوه متفاوت تجلی یابد، از قبیل زبان گفتاری، زبان نوشتاری، تصویرهای ثابت و متحرک، موسیقی، فیلم، آواهای غیرزبانی و حرکات بدن.

فورسویل استعاره چندوجهی را در مقابل استعاره تک‌وجهی^۵ مطرح می‌کند. استعاره چندوجهی به استعاره‌ای اطلاق می‌شود که قلمرو مبدأ و مقصد آن منحصرأ یا عمدتاً در وجوه متفاوت تجلی می‌یابد (۲۰۰۹: ۲۴). مهم‌ترین نوع استعاره‌های چندوجهی را می‌توان استعاره‌های زبانی-تصویری دانست که در آنها هر دو وجه کلام و تصویر حضور دارند. استعاره تک‌وجهی استعاره‌ای است که در آن قلمرو مبدأ و مقصد آنها منحصرأ یا عمدتاً در یک وجه متجلی می‌شود. رایج‌ترین نوع استعاره‌های تک‌وجهی استعاره‌های زبانی هستند که در آنها هر دو قلمرو مبدأ و مقصد در قالب زبان گفتاری یا نوشتاری بیان می‌شوند. نوع دیگری از استعاره‌های تک‌وجهی عبارت است از استعاره تصویری که در آن هر دو قلمرو مبدأ و مقصد به صورت تصویری بازنمایی می‌شوند و در مواردی مانند کارتونها، کاریکاتورها و تبلیغات چاپی و بیلبوردی مشاهده می‌شوند.

دلیل اینکه فورسویل تمرکز پژوهشی خود را بر روی پیکره‌های غیرزبانی قرار داده این است که نشان دهد استعاره پدیده‌ای نیست که فقط در زبان روی دهد؛ یعنی تنها یک پدیده زبانی نیست بلکه پدیده‌ای شناختی است که در تبلیغات، کارتونها، فیلم و موسیقی نیز تجلی می‌یابد. برخی بر این عقیده‌اند که استعاره‌های غیرزبانی و چندوجهی شاید بتوانند جنبه‌های خاصی از استعاره‌های مفهومی را برجسته سازند که در استعاره‌های زبانی قابل بیان نیستند. برای مثال،

1. Kövecses
2. conceptual domain
3. Gibbs
4. mode

در نگاشت بین عناصر دو فضای درونداد رخ می‌دهد که حاصل مقایسه و تلفیق این عناصر با یکدیگر است. دانش پس‌زمینه‌ای، بافت گفتمان و توانایی‌های شناختی خواننده در کنار یکدیگر ساختار افزوده‌ای را در اختیار وی قرار می‌دهند که به کمک آن فضای آمیخته را تکمیل سازد؛ این فرآیند را تکمیل می‌نامند. در نهایت، دو فضای درونداد به یک فضای آمیخته فراقکنده می‌شوند و آمیختگی مفهومی به انجام می‌رسد که این مرحله را بسط می‌گویند.



شکل ۱. نمودار پایه برای نمایش آمیختگی مفهومی (فوکونیه و ترنر، ۲۰۰۲: ۴۶)

برای مثال، اگر جمله «جانانان فرانک را ناکاوت کرد» را بشنویم و بدانیم که جانانان و فرانک مدیرعامل شرکت‌های تجاری هستند، در ذهن ما آمیختگی مفهوم میان دو فضای ذهنی «مشتزنی» و «تجارت» شکل می‌گیرد. در فضای «مشتزنی» دو مشتزن حضور دارند که با یکدیگر مبارزه می‌کنند و یکی از آنها دیگری را ناکاوت می‌کند. در فضای «تجارت» دو مدیرعامل شرکت‌های تجاری حضور دارند که با یکدیگر رقابت تجاری می‌کنند و یکی از آنها در این رقابت بر دیگری غلبه می‌کند. فوکونیه و ترنر (۲۰۰۲: ۱۲۸) آمیختگی مفهومی این دو فضا را به صورت شکل (۲) نشان داده‌اند.

در مرحله تشکیل، بین سه عنصر از فضاهای درونداد «مشتزنی» و «تجارت» نگاشت برقرار می‌شود. این عناصر عبارت‌اند از مشتزن ۱، مشتزن ۲ و ناکاوت کردن در فضای «مشتزنی» و مدیرعامل ۱، مدیرعامل ۲ و شکست

مواردی مانند اندازه و ابعاد فضایی حوزه‌های مبدأ را به کمک تصویر و دیگر امکانات بصری آسان‌تر و بهتر می‌توان بیان کرد، مثلاً در استعاره مفهومی «قدرتمند بزرگ است». همچنین حرکات دست و بازو چه در ارتباطات چهره به چهره و چه در رشته‌های هنری مانند کمدی و پانتومیم می‌توانند بیانگر مضامینی استعاری باشند که در استعاره‌های زبانی به راحتی قابل بیان نیستند (فورسویل و اوریوس-آپاریسی^۱، ۲۰۰۹: ۱۳).

آمیختگی مفهومی

هدف نظریه آمیختگی مفهومی (فوکونیه و ترنر، ۲۰۰۲) فراهم‌سازی یک الگوی شناختی عام برای معناسازی و چگونگی پیدایش مفهوم‌های نو است. برای درک نظریه آمیختگی مفهومی نیاز است که نخست تعریفی از فضای ذهنی^۲ ارائه دهیم. فضاهای ذهنی برساخت‌های آتی هستند که در طی گفتمان ایجاد می‌شوند و ساختاری شناختی را فراهم می‌آورند. فوکونیه و ترنر فضاهای ذهنی را این گونه تعریف کرده‌اند: «بسته‌های مفهومی که هنگام اندیشیدن و گفتگو کردن ساخته می‌شوند تا بتوانیم به درک و کنش موضعی دست یابیم» (۲۰۰۲: ۴۰). این فضاها شامل عناصر و پیوندهای رابطه‌ای میان آنها هستند و در فرآیند گفتمان که فضاها پیوسته دستخوش دگرگونی می‌شوند، بر تعداد عناصر و پیوندهای میان آنها افزوده می‌شود. برای انجام عمل آمیختگی مفهومی، نیاز است که دست‌کم دو فضای ذهنی داشته باشیم که آنها را فضاهای درونداد^۳ می‌نامیم. این دو فضای درونداد امکان آفرینش یک فضای ذهنی عام^۴ را به ما می‌دهند؛ فضای عام دربردارنده ویژگی‌های مشترک دو فضای درونداد است. تلفیق دو فضای درونداد براساس ویژگی‌های موجود در فضای عام، به پیدایش فضای آمیخته^۵ منجر می‌شود (شکل ۱). ساختار فضای آمیخته، صرفاً برآیند فضاهای درونداد نیست، بلکه حاصل سه فرآیند تشکیل^۶، تکمیل^۷ و بسط^۸ است (فوکونیه و ترنر، ۲۰۰۲: ۴۸). نگاشت میان دو فضای درونداد، سبب پیدایش پیوندهای جدیدی می‌شود؛ این فرآیند را تشکیل می‌نامند. بنابراین، «تشکیل»

1. Urios-Aparisi
2. mental space
3. input space
4. Generic mental space
5. blended space
6. composition
7. completion
8. elaboration

استعاره‌ها می‌تواند ما را در شناخت محتوای ضمنی و پنهانی متون یاری کند.

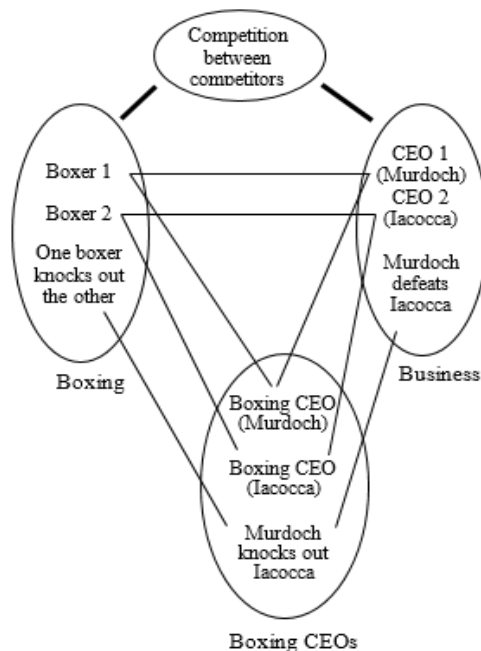
چارتریس - بلک (۲۰۰۴: ۴۷-۴۸) با اشاره به نتایج مطالعات متعددی که درباره نقش استعاره در انواع گوناگون گفتمان‌های سیاسی انجام شده است، نتیجه می‌گیرد که استعاره یکی از ابزارهای مهم برای مفهوم‌سازی موضوعات سیاسی و شکل‌دهی به جهان‌بینی‌ها است. برای مثال، استعاره‌های مفهومی مرتبط با خانواده از قبیل «ملت یک خانواده است»، «حکومت والدین است» و «شهروندان فرزندان هستند» می‌تواند دیدگاه‌های محافظه‌کارانه و لیبرال را به اخلاقیات مبتنی بر خانواده پیوند بزنند (لیکاف، ۲۰۰۲: ۱۵۴). این استعاره‌ها به ما امکان می‌دهند که بر اساس آنچه درباره خانواده می‌دانیم، درباره ملت استدلال کنیم. برای مثال، همان‌طور که والدین از فرزندان خود مراقبت می‌کنند و نسبت به آنها احساس مسئولیت می‌کنند، حکومت نیز باید از شهروندان خود مراقبت کرده و وظایف و مسئولیت‌های خود را در برابر آنها به انجام رساند.

استعاره و آمیختگی مفهومی در تحلیل انتقادی کارتون‌های سیاسی

کووچش (۲۰۱۰: ۶۴) کارتون‌ها را یکی از منابع غنی برای بازنمایی غیرزبانی استعاره‌ها دانسته که در آنها استعاره‌های مفهومی به صورت عینی به تصویر درمی‌آیند؛ برای مثال، از گوش‌های یک مرد خشمگین دود بیرون می‌آید که نشان‌دهنده این استعاره مفهومی است: «خشم مایعی داغ در ظرف است». وی (کووچش، ۲۰۱۰: ۷۳) می‌گوید استعاره نه تنها در گفتار بلکه در اکثر واقعیت‌های غیرزبانی ما نیز حضور دارد و در بسیاری از جنبه‌های زندگی اجتماعی، هنری، روانی، عقلانی و فرهنگی ما رخنه کرده است. حال به واکاوی یک نمونه کارتون سیاسی می‌پردازیم تا نشان دهیم سازوکارهای شناختی استعاره و آمیختگی مفهومی چگونه در مفهوم‌سازی پیام نهفته در کارتون‌های سیاسی نقش ایفا می‌کنند و اهمیت آنها در تحلیل گفتمان کارتون‌های سیاسی چیست.

کارتونی که در اینجا مورد تحلیل قرار می‌گیرد در تاریخ ۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۸ در خبرگزاری فارس منتشر شده و موضوع کلی آن توافق هسته‌ای ایران با کشورهای آمریکا، انگلیس، آلمان، فرانسه، روسیه و چین، موسوم به برجام، است. این کارتون در شکل (۳) به نمایش درآمده است.

تجاری در فضای «تجارت». در مرحله تکمیل، دانش پس‌زمینه‌ای ما از مسابقه مشت‌زنی از یک سو و رقابت تجاری بین شرکت‌ها از سوی دیگر و همچنین بافت گفتمانی جمله وارد عمل شده و براساس این دانش می‌دانیم که نوع مبارزه در تجارت با نوع مبارزه در مشت‌زنی تفاوت دارد و برای مثال، رقیبان تجاری دستکش به دست ندارند، داوری بین آنها وجود ندارد که قضاوت کند یا تماشاگری که رقابت بین آنها را با علاقه دنبال کند. در نهایت، در مرحله بسط، حاصل مقایسه فضاهای درون‌داد و نگاشت بین سه عنصر یادشده در آنها به صورت یک فضای آمیخته فراقنده می‌شود و آمیختگی مفهومی به انجام می‌رسد.



شکل ۲. آمیختگی مفهومی دو فضای مشت‌زنی و تجارت (فوکونیه و ترنر، ۲۰۰۲: ۱۲۸)

استعاره‌کاوی انتقادی

«استعاره‌کاوی انتقادی» اصطلاحی است که چارتریس-بلک (۲۰۰۴) آن را ابداع کرد و هدف آن تلفیق نظریه استعاره مفهومی با تحلیل گفتمان انتقادی است. از دیدگاه چارتریس-بلک (۲۰۰۴: ۲۹-۳۰)، هدف اصلی گفتمان‌کاوی انتقادی آشکارسازی انگیزه‌های سیاسی و ایدئولوژیک نهفته در پس‌متون است و تحلیل استعاره‌های به‌کاررفته در متون یکی از راه‌های دستیابی به این هدف است، زیرا استعاره یکی از گزینش‌های زبانی آگاهانه است که انگیزه‌های سیاسی و ایدئولوژیک تولیدکنندگان متن را پنهان می‌سازد و مطالعه آن



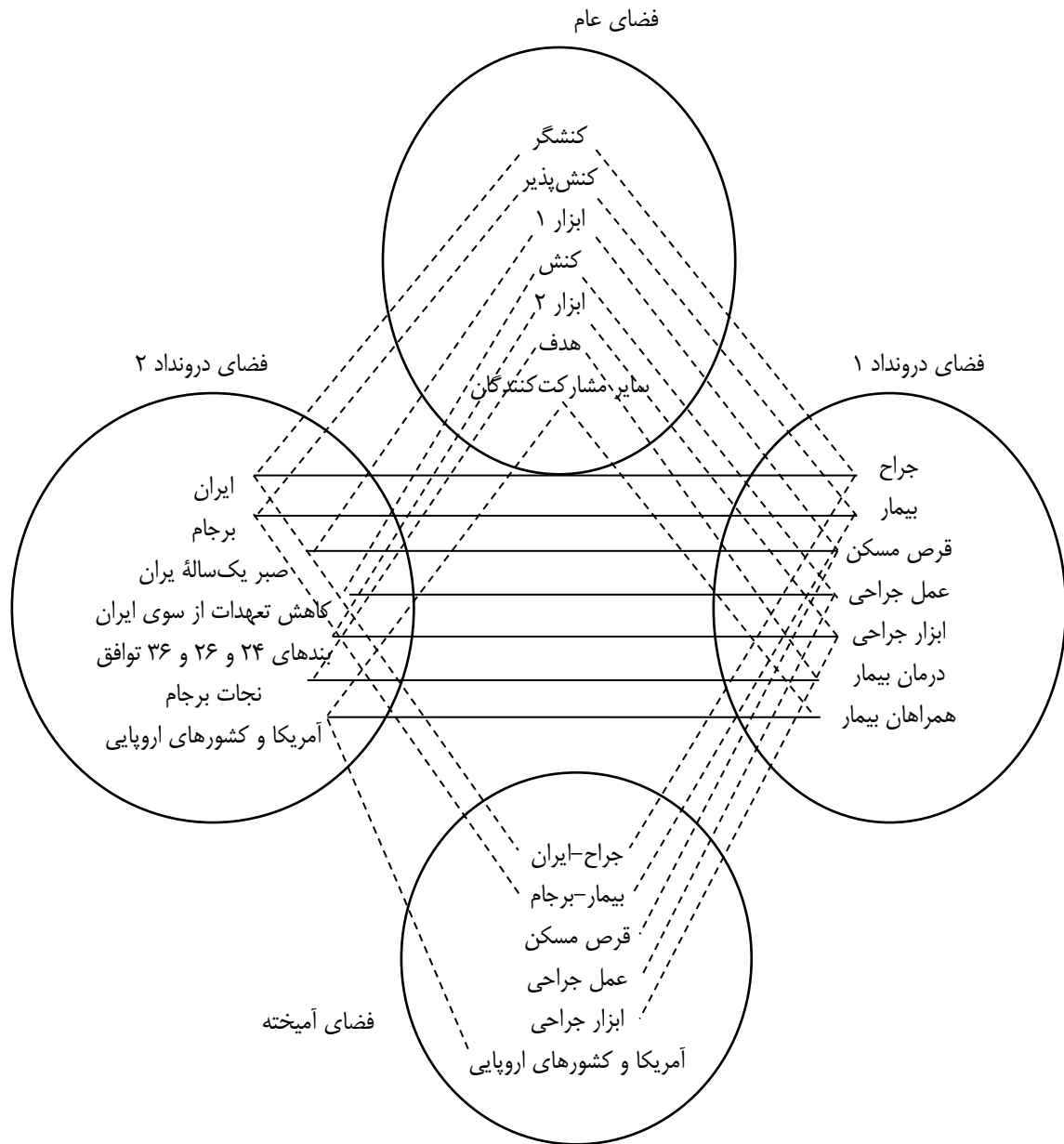
روحانی: برجام نیاز به جراحی دارد و قرص‌های مسکن یک‌ساله جواب نداد

شکل ۳. کارتون سیاسی برجام (منبع: خبرگزاری فارس؛ طراح: محمدعلی رجبی؛ تاریخ نشر: ۱۳۹۸/۲/۲۱)

تناظرهای گوناگونی برقرار شده است. در عمل جراحی اجزا و عناصر متعددی دخیل است شامل جراح و دستیاران او، تخت جراحی، بیمار، ابزار جراحی و در نهایت هدف آن که معالجه بیمار است. در این کارتون بسیاری از این اجزا و عناصر برای مفهوم‌سازی استعاری مسائل و اتفاقات پیرامون توافق برجام مورد استفاده قرار گرفته‌اند. شکل (۴) بر اساس نظریه آمیختگی مفهومی (فوکونیه و ترنر، ۲۰۰۲) نحوه نگاشت بین اجزا و عناصر عمل جراحی از یک سو و مسائل و اتفاقات پیرامون برجام را از سوی دیگر نشان می‌دهد. در این شکل، دو قلمرو مفهومی مذکور به‌عنوان فضاهای درونداد ۱ و ۲ براساس یک فضای ذهنی عام با یکدیگر تلفیق می‌شوند. حاصل تلفیق این دو فضا، یک فضای آمیخته است که در آن نگاشت‌های استعاری برقرار می‌گردد.

این کارتون ارتباطی آشکار با سخنرانی رئیس‌جمهور ایران، حسن روحانی، در تاریخ ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۸ دارد. زمانی که یک سال پس از خروج آمریکا از توافق برجام و صبر راهبردی ایران در این مدت، روحانی گفت: ما احساس کردیم که برجام نیاز به یک جراحی دارد و قرص‌های مسکن یک‌ساله کافی نبوده است؛ این جراحی برای نجات برجام است (به نقل از خبرگزاری دانشجو).

در کارتون فوق سازوکار شناختی آمیختگی مفهومی نقش اصلی را در خلق و انتقال معنا ایفا می‌کند. در این کارتون دو قلمرو مفهومی با یکدیگر آمیخته شده‌اند؛ یکی از آنها را می‌توان «عمل جراحی» نامید که در واقع قلمرو مبدأ استعاری است و دومی را «توافق برجام» که قلمرو مقصد به شمار می‌آید. بین این دو قلمرو مفهومی نگاشت‌ها و



شکل ۴. آمیختگی مفهومی در کارتون شکل (۳)

فضای ذهنی «عمل جراحی» فراهم‌آورنده قالب سازماندهی آمیختگی مفهومی است و به همین دلیل است که در اولین نگاه به این کارتون، تصویری از اتاق عمل جراحی در ذهن مخاطب نقش می‌بندد. در این تصویر، عناصر فضای ذهنی «عمل جراحی» از قبیل جراح، بیمار و همراهان بیمار توسط عناصر موجود در فضای ذهنی «توافق برجام» جایگزین شده‌اند. فضای عام دربردارنده ویژگی‌ها و مؤلفه‌های مشترک در دو فضای درون‌داد است. بنابراین، ساختار و چارچوب مفهومی پایه‌ای را برای ایجاد تناظر میان مفاهیم

شبکه‌های آمیختگی مفهومی دارای انواعی هستند که در اینجا مجال معرفی و توضیح همه آنها وجود ندارد. فقط به این ذکر این نکته بسنده می‌شود که شبکه آمیختگی موجود در کارتون شکل (۳) از نوع شبکه‌های تک‌گستره‌ای است. این نوع شبکه‌ها عمدتاً در استعاره‌های مفهومی یافت می‌شوند و در آنها یکی از فضاهای درون‌داد در نقش قالب سازماندهی ظاهر می‌شود. به عبارت دیگر، یکی از فضاهای درون‌داد ساختار خود را به دیگر فضاهای موجود در شبکه می‌بخشد (کووچش، ۲۰۱۰: ۲۷۸). در کارتون شکل (۳)،

دربارهٔ عمل جراحی دارد و با نجات برجام در فضای درونداد ۲ تناظر دارد. مؤلفهٔ «ابزار» نیز در فضای درونداد ۱ با قرص مسکن و ابزار جراحی پیوند می‌خورد که به ترتیب متناظر با صبر یک‌سالهٔ ایران و بندهای ۲۴ و ۲۶ و ۳۶ توافق برجام در فضای درونداد ۲ هستند و ریشهٔ این اطلاعات در دانش پس‌زمینهٔ ما از توافق برجام و نیز سخنان حسن روحانی در تاریخ ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۸ است. به این ترتیب هفت تناظر مفهومی یا نگاشت استعاری بین مؤلفه‌های موجود در فضاهای مفهومی به وجود می‌آید و فضای آمیخته حاصل آمیختگی این مفاهیم با یکدیگر خواهد بود.

از نظر فوکونیه و ترنر (۱۹۹۴) و کووچش (۲۰۱۰)، استعاره نوع خاص از آمیختگی مفهومی است که در آن دو قلمرو مبدأ و مقصد در نقش فضاهای درونداد ظاهر می‌شوند و در نتیجهٔ نگاشت‌های استعاری که بین عناصر این دو فضای درونداد برقرار می‌شود، فضای آمیخته شکل می‌گیرد. در این پژوهش، نگاشت‌های استعاری موجود در کارتون که بین اجزا و عناصری از قلمرو مفهومی «عمل جراحی» و قلمرو مفهومی «توافق برجام» برقرار شده است، در قالب آمیختگی مفهومی تحلیل می‌گردد.

استعارهٔ کلی نهفته در کارتون را می‌توان به صورت «برجام بیمار است» بیان کرد. این استعاره حاوی نگاشت‌های غنی و چندگانه‌ای است و استلزامات استعاری متعددی را به همراه دارد. از جمله استلزامات استعاری که در کارتون نیز بازنمایی شده‌اند می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- برجام بیمار است، پس نیازمند اقدام پزشکی است (در اینجا عمل جراحی).
- هدف از اقدام پزشکی نجات جان بیمار است، پس هدف از جراحی برجام نجات آن از نابودی است.
- انجام اقدامات پزشکی روی بیمار نیازمند استفاده از ابزارها و امکاناتی است، پس براساس بندهایی از خود توافق برجام باید نسبت به معالجهٔ آن اقدام کرد.

در این کارتون می‌توان هفت نگاشت استعاری بین قلمرو مبدأ و مقصد یافت که بیشتر آنها به صورت تصویری-زبانی ارائه شده‌اند. جدول (۱) پیکربندی وجوه در نگاشت‌های هفت‌گانه را براساس نظریهٔ استعارهٔ چندوجهی فورسویل (۱۹۹۴، ۱۹۹۶، ۲۰۰۹) نشان می‌دهد.

موجود در دو فضای درونداد و در نهایت، دستیابی به آمیختگی فراهم می‌آورد. در فضای عام در شکل (۴)، چندین مؤلفه دیده می‌شود که عبارتند از: کنشگر، کنش‌پذیر، کنش، سایر مشارکت‌کنندگان، ابزار و هدف انجام کنش. وجود این فضای ذهنی و مؤلفه‌های آن حاصل تجربه‌های ما از مواجهه با رویدادها، اعمال و فعالیت‌های گوناگون در زندگی روزمره است. هر یک از مؤلفه‌های فضای عام بر مؤلفه‌های هر دو فضای درونداد نگاشت می‌شود و در نتیجه، از این طریق میان مؤلفه‌های فضاهای درونداد پیوند غیرمستقیم برقرار می‌شود. بنابراین، همهٔ هفت مؤلفهٔ موجود در فضای عام باید در فضاهای درونداد نیز متناظر داشته باشند. دو فضای درونداد در این شبکهٔ آمیختگی مفهومی که عبارتند از «عمل جراحی» و «توافق برجام»، براساس ساختار فضای عام با یکدیگر تلفیق شده و میان مؤلفه‌های آنها تناظرهایی ایجاد می‌شود. در نهایت، در نتیجهٔ آمیختگی مفهومی دو فضای درونداد، فضای آمیخته‌ای به وجود می‌آید که اساس درک معنای کارتون است و بدون شکل‌گیری آن، درک کامل و همه‌جانبهٔ معنای کارتون امکان‌پذیر نخواهد بود.

کنشگری که کنش (در اینجا جراحی برجام) را انجام می‌دهد، پرچم ایران را بر بازوی خود دارد و به صورت مجازی به مجموعهٔ حاکمیت ایران اشاره دارد، زیرا تصمیم‌گیری دربارهٔ برجام موضوعی است که تنها در اختیار دولت و شخص رئیس‌جمهور نبوده و نهادهای گوناگونی از حاکمیت ایران در آن دخالت دارند. کنش‌پذیر در فضای ذهنی عمل جراحی بیمار است و در فضای ذهنی برجام، خود توافق‌نامهٔ برجام. بنابراین، میان ایران و جراح به عنوان کنشگر، میان برجام و بیمار به عنوان کنش‌پذیر و میان جراحی و کاهش تعهدات ایران در برجام تناظر مفهومی برقرار می‌شود. علاوه بر سه مؤلفهٔ کنشگر، کنش‌پذیر و کنش، که مؤلفه‌های اصلی سازندهٔ فضای مفهومی عام هستند، چهار مؤلفهٔ دیگر نیز در آمیختگی مفهومی یافت می‌شوند. یکی از این مؤلفه‌ها «سایر مشارکت‌کنندگان» است، یکی «هدف» و دو مؤلفهٔ دیگر «ابزار» هستند. فرافکن سایر مشارکت‌کنندگان در فضاهای درونداد ۱ عبارت است از همراهان بیمار که به آمریکا، اسرائیل و کشورهای اروپایی اشاره دارد. مؤلفهٔ «هدف» در فضای درونداد ۱ درمان بیمار است که ریشه در دانش عام ما

جدول ۱. انواع پیکربندی‌های وجه در استعاره‌های یافت‌شده در کارتون شکل (۳)

نکاشت استعاری (مبدأ - مقصد)	پیکربندی وجه
جراح - ایران	مبدأ تصویری - مقصد زبانی و تصویری
بیمار - برجام	مبدأ تصویری - مقصد زبانی
قرص مسکن - صبر یک‌ساله ایران	مبدأ زبانی - مقصد غایب (دانش پس‌زمینه)
عمل جراحی - کاهش تعهدات ایران	مبدأ تصویری/دانش عام - مقصد غایب (دانش پس‌زمینه)
ابزار جراحی - بندهای توافق برجام	مبدأ تصویری/دانش عام - مقصد غایب (دانش پس‌زمینه)
درمان بیمار - نجات برجام	مبدأ دانش عام - مقصد غایب (دانش پس‌زمینه)
همراهان بیمار - آمریکا، اسرائیل و کشورهای اروپایی	مبدأ تصویری - مقصد تصویری

مهم‌ترین منبع دسترسی به این دانش پس‌زمینه، سخنان حسن روحانی در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۸ است. برای مثال، در کارتون هیچ سرنخی وجود ندارد که به ما بگوید ابزار عمل جراحی چیست. تنها منبع دسترسی به این سرنخ این است که به سخنان روحانی رجوع کنیم که می‌گوید: «برجام در بندهای ۲۴ و ۲۶ و ۳۶ به ما حق داده است که اگر طرف مقابل ما تعهد خود را نقض کند ما آن را در کمیسیون مشترک مطرح کنیم و یک زمان‌بندی پیش‌بینی کرده‌ایم که از آن هم ما عبور کردیم» (به نقل از خبرگزاری دانشجو). با رجوع به این پاره‌گفتار مشخص می‌شود که ابزار جراحی برجام همین بندهای ۲۴ و ۲۶ و ۳۶ توافق برجام است که به کمک آنها ایران می‌تواند نسبت به کاهش تعهدات خود اقدام کند (یعنی انجام عمل جراحی).

منظور از دانش عام در جدول (۱) دانشی است که ما براساس تجربیات زندگی خود دربارهٔ مسائل و موضوعات مختلف داریم. در اینجا به طور مشخص شامل دانش ما دربارهٔ عمل جراحی است. براساس این دانش ما می‌دانیم هدف از انجام عمل جراحی «معالجه و نجات جان بیمار» است. منظور از دانش پس‌زمینه، دانش ما دربارهٔ برجام و مسائل و اتفاقات پیرامون آن و نیز سخنان روحانی است. دانش عام و دانش پس‌زمینه در مرحلهٔ «تکمیل» وارد فرآیند معناسازی می‌شوند.

در فضای آمیخته در شکل (۴)، همهٔ هفت نکاشت استعاری ارائه‌شده در جدول (۱) بازنمایی نشده‌اند. نکاشت استعاری «درمان بیمار - نجات برجام» در این کارتون اصلاً

در ستون سمت راست جدول (۱)، نکاشت‌های استعاری بین مفاهیم مرتبط با فضای مفهومی «عمل جراحی» و فضای مفهومی «برجام» فهرست شده‌اند. ستون سمت چپ جدول، نحوهٔ بازنمایی قلمروهای مبدأ و مقصد در هر یک از نکاشت‌های استعاری را نشان می‌دهد که آن را لان و زو (۲۰۱۶: ۲۵) پیکربندی وجه نامیده‌اند. چنان که در جدول می‌توان دید، برخی از قلمروهای مبدأ یا مقصد تنها در یک وجه (غالباً تصویری) و برخی در بیش از یک وجه بازنمایی شده‌اند. این در حالی است که بعضی از آنها به‌طور صریح بازنمایی تصویری یا زبانی نیافته‌اند و در واقع غایب هستند. همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود، درک نکاشت‌های استعاری که در آنها یکی از قلمروهای مبدأ یا مقصد غایب‌اند، نیازمند رجوع به دانش پس‌زمینه دربارهٔ برجام و شرایط و اتفاقات پیرامون آن در زمانی است که کارتون رسم شده است. این واقعیت برخلاف دیدگاه رایجی است که پیام کارتونها را سهل‌الوصول و رمزگشایی از آنها را آسان می‌پندارد. همان‌گونه که ساکونا (۲۰۰۹: ۱۱۸۳) اشاره می‌کند، رمزگشایی از کارتون گاه نیازمند برخورداری از دانش دقیق و اطلاعات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است که در خلق آن کارتون به کار رفته است. ادواردز (۱۹۹۷: ۸) در این رابطه بر این باور است که «کارتونها مانند پل بین واقعیت و تخیل عمل می‌کنند»؛ بدان معنی که در آنها رویدادهای جاری با یک جهان تخیلی تلفیق شده و در نتیجه برای درک و تفسیر درست آنها نیازمند دانش دربارهٔ وقایع کنونی هستیم.

مبدأ و مقصد استعاری هستند، به طوری که فضای «عمل جراحی» قلمرو مبدأ و فضای «توافق برجام» قلمرو مقصد است، اما فضای آمیخته حاصل پیدایش نگاشت‌های استعاری با دخالت دانش عام، دانش پس‌زمینه‌ای و بافت گفتمان است.

انواع پیکربندی‌های وجه که در کارتون به چشم می‌خورند و در جدول (۱) تشریح شده‌اند، طبق دسته‌بندی لان و زو (۲۰۱۶: ۲۵-۳۱) در چهار دسته کلی می‌گنجند: نگاشت بیناوجهی^۱، نگاشت تک‌وجهی، نگاشت چندوجهی، نگاشت ضمنی^۲. به عبارت دیگر، انواع نگاشت‌های استعاری یا تناظرهای مفهومی نهفته در کارتون را از لحاظ شیوه تعامل و ترکیب وجوه مختلف می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد که شرح هر یک از آنها در زیر می‌آید:

الف) نگاشت بیناوجهی: مفهوم مبدأ و مقصد در دو وجه متفاوت بازنمایی می‌شوند. نگاشت «بیمار-برجام» از نوع بیناوجهی است که در آن بیمار به صورت تصویری و برجام به صورت زبانی بازنمایی شده است.

ب) نگاشت تک‌وجهی: مفهوم مبدأ و مقصد هر دو در یک وجه بازنمایی می‌شوند. نگاشت «همراهان بیمار- آمریکا، اسرائیل و کشورهای اروپایی» از نوع تک‌وجهی است زیرا در آن هر دو مفهوم مبدأ و مقصد به صورت تصویری بازنمایی شده‌اند.

ج) نگاشت چندوجهی: مفهوم مبدأ یا مقصد به طور همزمان در دو یا چند وجه متفاوت بازنمایی می‌شود. نگاشت چندوجهی می‌تواند به سه دسته جزئی‌تر تقسیم شود: (۱) مبدأ تصویری و زبانی-مقصد تصویری یا زبانی؛ (۲) مبدأ تصویری یا زبانی-مقصد تصویری و زبانی؛ و (۳) مبدأ تصویری و زبانی-مقصد تصویری و زبانی. در کارتون بالا، نگاشت «جراح- ایران» نگاشتی چندوجهی است که در آن مبدأ به صورت تصویری و مقصد به هر دو صورت تصویری و زبانی بازنمایی شده است.

د) نگاشت ضمنی: هر دو مفهوم مبدأ و مقصد در کارتون بازنمایی نمی‌شوند، بلکه تنها یکی از آنها به صورت زبانی یا تصویری بازنمایی می‌شود و دیگری به صورت پنهان و ضمنی باقی می‌ماند و برای شناسایی آن باید به دانش پس‌زمینه یا دانش عام مراجعه کرد. به جز سه نگاشت یادشده، سایر نگاشت‌های موجود در کارتون از نوع ضمنی هستند.

تجلی پیدا نکرده است ولی ما براساس دانش عام خود درباره عمل جراحی می‌دانیم که هدف از آن معالجه و گاه نجات جان بیمار است. از سوی دیگر، براساس سخنان روحانی که دانش پس‌زمینه کارتون را تشکیل می‌دهد، می‌دانیم که هدف ایران از کاهش تعهدات خود نجات برجام اعلام شده است. بنابراین، این نگاشت گرچه در کارتون تجلی نیافته ولی به صورت ضمنی قابل درک است. علاوه بر این، عناصری از قلمرو مفهومی مقصد (توافق برجام) نیز در کارتون تجلی نیافته‌اند و به همین دلیل در فضای آمیخته نیز غایب‌اند. این عناصر عبارتند از: صبر یکساله ایران، کاهش تعهدات از سوی ایران و بندهای ۲۴ و ۲۶ و ۳۶ برجام.

همان‌طور که پیشتر گفته شد، آمیختگی مفهومی شامل سه مرحله تشکیل، تکمیل و بسط است که آنها را در کارتون شکل (۳) می‌توان به شرح زیر توصیف نمود:

(۱) تشکیل: در این مرحله براساس محتوای تصویری و نوشتاری کارتون، دو فضای درونداد «عمل جراحی» و «توافق برجام» شکل می‌گیرند و سه نگاشت مفهومی جراح- ایران، بیمار- برجام و همراهان بیمار- آمریکا، اسرائیل و کشورهای اروپایی بین عناصر آنها ایجاد می‌گردد.

(۲) تکمیل: در این مرحله، دانش عام ما درباره عمل جراحی و کم و کیف آن، دانش پس‌زمینه‌ای ما درباره توافق برجام و حواشی مربوط به آن، سخنان حسن روحانی در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۸ و همچنین بافت گفتمان حاکم بر این کارتون، جملگی اطلاعات افزوده‌ای در اختیار ما قرار می‌دهند که به کمک آن تناظرهای مفهومی بین فضاهای درونداد را تکمیل کنیم و در نتیجه، چهار نگاشت آخر در جدول (۱) به وجود می‌آیند.

(۳) بسط: در این مرحله، در نتیجه هفت نگاشت مفهومی میان عناصر فضاهای درونداد که در مراحل قبلی شکل گرفته‌اند، فضاهای درونداد به یک فضای آمیخته فرافکنده می‌شوند و با پیدایش فضای آمیخته در شکل (۴) فرآیند آمیختگی مفهومی که منجر به درک کارتون می‌شود به انجام می‌رسد.

شایان ذکر است که فضاهای درونداد با فضای آمیخته از این جهت تفاوت دارند که هر فضای درونداد شامل اجزاء و عناصر مفهومی خاص خود است که در شکل (۴) به نمایش درآمده‌اند، اما فضای آمیخته دربرگیرنده نگاشت‌های مفهومی میان این عناصر است. علاوه بر این، فضاهای درونداد درواقع قلمروهای

1. cross-modal

2. implied mapping

بحث و نتیجه‌گیری

هدف کلیدی رویکرد انتقادی به استعاره‌کاوی این است که «انگیزه‌های سیاسی و ایدئولوژیکی را که شاید پوشیده و پنهان شده باشند، آشکار نماید» (چارتیس-بلک، ۲۰۰۴: ۲۹). هر استعاره خواه‌ناخواه جنبه‌هایی از قلمرو مفهومی مقصد را برجسته می‌کند و جنبه‌های دیگری را به حاشیه می‌راند و پنهان می‌سازد. برجسته‌سازی و پنهان‌سازی از ویژگی‌های ذاتی استعاره است. آنچه در استعاره «برجام بیمار است» برجسته شده این است که برجام نیازمند معالجه و مداوا است، زیرا در غیر این صورت این «بیمار» ممکن است بمیرد؛ یعنی توافق برجام ممکن است از بین برود. این برجسته‌سازی استعاری در جهت توجیه انگیزه سیاسی ایران برای کاهش تعهدات برجامی خود به منظور مقابله با عهدشکنی آمریکا است که البته با استفاده از استعاره مذکور به صورتی ملایم و تلطیف‌شده درآمده است. بنابراین، استعاره «برجام بیمار است» به صورتی خلاقانه و تأثیرگذار انگیزه سیاسی ایران را برای برداشتن گام‌هایی فراتر از محدودیت‌های تعیین‌شده در برجام آشکار و موجه می‌سازد.

همان‌طور که لیکاف و جانسون (۱۹۸۰: ۱۵۶) اشاره می‌کنند، «استعاره می‌تواند راهنمایی برای کنش آتی باشد». در کارتون تحلیل‌شده در این مقاله، استعاره «برجام بیمار است» و این استلزام استعاری ناشی از آن که «باید مورد مداوا قرار گیرد»، خط مشی و مسیر آتی اقدامات هسته‌ای ایران را به خوبی مشخص می‌سازد. شاهد هستیم که ایران در مقابل خروج آمریکا از برجام و بی‌عملی سه کشور اروپایی، در چند مرحله تعهدات برجامی خود را کاهش می‌دهد و در این مسیر به پیش می‌رود. در اینجا با کارکرد استدلالی استعاره مواجه هستیم که مورد توجه پژوهشگران بسیاری همچون ون‌پوپل^۱ (۲۰۱۸) قرار گرفته است. هم در سخنرانی حسن روحانی و هم در کارتون شکل (۳) استفاده از استعاره «برجام بیمار است» دارای قدرت استدلالی قوی است تا به مخاطب القا کند که باید برای درمان این بیمار چاره‌ای اندیشید و نمی‌توان آن را به همین صورت رها کرد. ما بنا به تجربه خود در مواجهه با مفهوم بیماری و مظاهر گوناگون آن می‌دانیم که بیمار را باید هر چه سریع‌تر درمان کرد و تأخیر در این امر ممکن است عواقب سخت و جبران‌ناپذیری برای بیمار به همراه داشته باشد. بر اساس این دانش عام، مخاطب این

ما بر اساس دانش عامی که از جهان پیرامون و از تجربیات خود در مواجهه با بیماری، جراحی، بیمارستان، اتاق عمل و غیره داریم می‌دانیم که طی عمل جراحی، فرد یا افرادی برای معالجه یک بیمار یا نجات جان او تلاش می‌کنند. بنابراین، استفاده از این استعاره جراحی توسط روحانی بیانگر این نکته است که هدف ایران از کاهش برخی تعهدات خود در برجام و برداشتن گام اول در این مسیر هدفی مثبت، سازنده و به سود برجام است. به عبارت دیگر، هدف ایران تضعیف یا تخریب برجام نیست، همچنان که هدف جراح آسیب رساندن یا کشتن بیمار نیست. در کارتون مشاهده می‌شود که ترامپ و دو نفر دیگر که در نقش همراهان بیمار حضور دارند، مخالف این عمل جراحی هستند و این موضوع به کمک متن «مخالف این عملیم!» به وضوح بیان شده است. در نتیجه، این مفهوم در ذهن انگیزه می‌شود که ترامپ و دیگر مخالفان برجام خواهان مرگ این توافق هستند و در نقطه مقابل ایران قرار دارند.

اشاره به قرص مسکن در متن کارتون و همچنین در سخنان خود روحانی این معنای ضمنی را در بردارد که از یک سال پیش، یعنی از همان روز خروج آمریکا از برجام که منجر به بازگشت تحریم‌های آمریکا علیه ایران شد، برجام مبتلا به بیماری و درد شده است. صبر یک‌ساله ایران پس از خروج آمریکا قرص مسکنی بوده است که ایران به این بیمار داده است، اما در نهایت به دلیل عدم انجام تعهدات از سوی پنج کشور باقیمانده در برجام (آلمان، فرانسه، انگلیس، چین و روسیه)، ایران ناچار شده برای جلوگیری از وخیم‌تر شدن اوضاع برجام آن را مورد جراحی قرار دهد. بنابراین، در یک سال اول پس از خروج آمریکا از این توافق، ایران در راستای حفظ برجام تلاش کرده است (صبر راهبردی) اما پنج کشور دیگر هیچ تلاشی نکرده‌اند.

در این کارتون به خوبی شاهد تلفیق جنبه‌های شناختی، ارتباطی و گفتمانی استعاره‌ها هستیم. استعاره‌های نهفته در این کارتون نه تنها به کارتون‌نویس کمک می‌کنند که معنای موردنظر خود را به شیوه‌ای خلاقانه و جذاب به مخاطب عرضه کند، بلکه او را قادر می‌سازند مخاطب را با خود همراه و هم‌نظر سازد و در واقع موضع و اقدام ایران در مورد برجام را موجه و منطقی جلوه دهد و طرف‌های مقابل را به عنوان مسئول ایجاد مشکل، یعنی بیمار شدن برجام، معرفی کند. این موضوع همسو با دیدگاه کووچش (۲۰۱۴: ۱۵) است که می‌گوید استعاره افزون بر کارکرد شناختی، دارای کارکرد ارتباطی مهمی در گفتمان نیز هست.

این مطالعه به‌خوبی بر اهمیت کلیدی استعاره‌ها در تحلیل گفتمان سیاسی صحنه می‌گذارد، چرا که نشان می‌دهد چگونه یک استعاره قوی و دارای قدرت استدلالی و گفتمانی بالا می‌تواند موضع و رویکرد کشور ایران را نسبت به بن‌بست هسته‌ای به‌وجودآمده بیان کند، از آن حمایت نماید و مسیر آتی اقدامات کشور را مشخص سازد. همچنین باید توجه داشت که گرچه هر کارتون توسط یک فرد خاص طراحی می‌شود اما نمی‌توان آن را بازتاب اندیشه و نگرش آن فرد به تنهایی دانست. از آنجا که کارتون در یک خبرگزاری، روزنامه یا مجله رسمی وابسته به حکومت، نهاد یا جناح خاصی منتشر می‌شود، بی‌تردید بازتاب‌دهنده نگرش و موضع حاکمیت (یا حداقل مجموعه‌ها و نهادهای حاکمیتی) نسبت به مسائل گوناگون است. بنابراین، با مطالعه این کارتون‌ها می‌توان از ظرایف اندیشه‌ها، نگرش‌ها، باورها و موضع‌گیری‌های مجموعه‌ها و نهادهای حاکمیتی نسبت به مسائل و رویدادهای جاری کشور آگاهی یافت. با انجام چنین مطالعه‌ای می‌توان دریافت که واقعیت‌های جامعه چگونه توسط ابزارهای تصویری-زبانی در کارتون‌ها ساخته یا بازنمایی می‌شوند.

توجیه را می‌پذیرد که هدف ایران از کاهش تعهدات برجامی خود چیزی جز درمان بیمار (= برجام) و هدایت او به سمت سلامتی و بهبودی نیست و در نتیجه هر اقدامی که ایران در راستای این هدف انجام دهد اقدامی سازنده و توجیه‌پذیر تلقی خواهد شد.

تحلیل ارائه‌شده به‌خوبی نشان می‌دهد که یکی از ضروریات مطالعه کارتون‌های سیاسی توجه ویژه به استعاره است؛ این موضوعی است که پژوهشگران بسیاری چون لیکاف (۲۰۰۲) و چارتریس-بلک (۲۰۱۱) بر آن تأکید کرده و استعاره را در سیاست و بیان دیدگاه‌ها و باورهای گوناگون سیاسی دارای اهمیت دانسته‌اند. چارتریس-بلک (۲۰۰۴: ۲۸) نیز با تأکید بر اهمیت مطالعه استعاره، می‌گوید استعاره در کانون تحلیل گفتمان انتقادی قرار دارد، چرا که نقش آن شکل‌دهی دیدگاهی منسجم از واقعیت است. همچنین، به باور هارت ۱ (۲۰۰۸)، در جایی که تحلیل گفتمان انتقادی (و به‌ویژه زبان‌شناسی انتقادی) به بررسی ساختارهای ایدئولوژیک و رمزآلود گفتمان پرداخته است، استعاره خود این چنین ساختاری است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که مطالعه استعاره‌های رایج در گفتمان سیاسی بخش تفکیک‌ناپذیر و حتی کلیدی در تحلیل گفتمان سیاسی است.

منابع

کردیم که برجام نیاز به یک جراحی دارد و قرص‌های مسکن یک‌ساله جواب نداده است.
<http://fna.ir/d9m5r6>
 خبرگزاری دانشجو (۱۳۹۸). کد خبر: ۷۶۲۶۶۵.
www.snn.ir/003cp3

پورابراهیم، شیرین (۱۳۹۵). نقش استعاره تصویری در تحلیل انتقادی کلام: مطالعه کاریکاتورهای سیاسی. پژوهش‌های زبان‌شناسی، سال ۸، شماره ۱ (پیاپی ۱۴)، ۵۲-۳۷.
 خبرگزاری فارس (۱۳۹۸). کاریکاتور/ روحانی: احساس

Alousque, I. N. (2013). Visual metaphor and metonymy in French political cartoons. *RESLA*, 26, 365-384.
 Bergen, B. (2004). To awaken a sleeping giant: Cognition and culture in September 11 political cartoons. In: M. Achard & S. Kemmer (Eds.), *Language, culture, and mind*, (pp. 23-36). Standford, CA: CSLI Publications.
 Charteris-Black, J. (2004). *Corpus approaches to critical metaphor analysis*. London: Palgrave Macmillan.
 Charteris-Black, J. (2011). *Politicians and rhetoric: The persuasive power of metaphor* (2nd Ed.). New York: Palgrave

Macmillan.
 Coulson, S. (2005). Extemporaneous blending: Conceptual integration in humorous discourse from talk radio. *Style*, 39, 107-122.
 Dălălu, D. (2014). The use of pictorial and multimodal metaphors in editorial cartoons depicting the Euro crisis. *The Proceedings of the International Conference Globalization, Intercultural Dialogue and National Identity*, (pp. 929-938).
 Dugalich, N. M. (2018). Political cartoon as a genre of political discourse. *RUDN Journal of Language Studies, Semiotics*

- and Semantics, 9(1), 158-172.
- Edwards, J. L. (1997). Political cartoons in the 1988 presidential campaign: Image, metaphor, and narrative. New York/London: Garland.
- Fauconnier, G., & Turner, M. (1994). Conceptual projection and middle spaces. Unpublished manuscript.
- Fauconnier, G., & Turner, M. (2002). The way we think: Conceptual blending and the mind's hidden complexities. New York: Basic books.
- Forceville, C. (1994). Pictorial metaphor in advertisements. *Metaphor and Symbolic Activity*, 9, 1-29.
- Forceville, C. (1996). Pictorial Metaphor in Advertising. London: Routledge.
- Forceville, C. (2009). Non-verbal and multimodal metaphor in a cognitivist framework: Agendas for research. In: C. Forceville & E. Uriós-Aparisi (Eds.), *Multimodal metaphor*, (pp. 19-42). Berlin/New York: Mouton de Gruyter.
- Forceville, C., & Uriós-Aparisi, E. (2009). Introduction. In: C. Forceville & E. Uriós-Aparisi (Eds.), *Multimodal metaphor*, (pp. 3-17). Berlin/New York: Mouton de Gruyter.
- Gibbs, R. W. (ed.) (2008). *The Cambridge handbook of metaphor and thought*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Hart, C. (2008). Critical discourse analysis and metaphor: Toward a theoretical framework. *Critical Discourse Studies*, 5, 91-106.
- Kövecses, Z. (2010). *Metaphor: A practical introduction* (2nd Ed.). New York: Oxford University Press.
- Kövecses, Z. (2014). Metaphor and metonymy in the conceptual system. In: F. Polzenhagen, Z. Kövecses, S. Vogelbacher & S. Kleinke (Eds.), *Cognitive explorations into metaphor and metonymy*, (pp. 15-34). Frankfurt am Main: Peter Lang Edition.
- Kwon, I., & Roh, J. H. (2018). Multimodality and cognitive mechanisms: A cognitive-semantics analysis of political cartoons <stay out of my hair>. *Linguistic Research*, 35(1), 117-143.
- Lakoff, G. (1993). The contemporary theory of metaphor. In: A. Ortony (Ed.), *Metaphor and thought*, (pp. 202-251). New York: Cambridge University Press.
- Lakoff, G. (2002). *Moral Politics* (2nd Ed.). Chicago: University of Chicago Press.
- Lakoff, G., & Johnson, M. (1980). *Metaphors we live by*. Chicago: University of Chicago Press.
- Lan, C., & Zuo, D. (2016). Pictorial-verbal metaphors in Chinese editorial cartoons on food safety. *Metaphor and the Social World*, 6(1), 20-51.
- Mateus, S. (2016). Political Cartoons as communicative weapons - the hypothesis of the "Double Standard Thesis" in three Portuguese cartoons. *Estudos em Comunicação*, 23, 195-221.
- Musolff, A. (2012). The study of metaphor as part of critical discourse analysis. *Critical Discourse Studies*, 9(3), 301-310.
- Sani, I., Abdullah, M. H., Ali, A. M., & Abdullah, F. S. (2012). Linguistic analysis on the construction of satire in Nigerian political cartoons: The example of newspaper cartoons. *Journal of Media and Communication Studies*, 4(3), 52-59.
- Tsakona, V. (2009). Language and image interaction in cartoons: Towards a multimodal theory of humor. *Journal of Pragmatics*, 41, 1171-1188.
- Van Poppel, L. (2018). Argumentative functions of metaphors; How can metaphors trigger resistance. In: S. Oswald, & D. Maillat (Eds.), *Argument and inference. Proceedings of the 2nd European conference on argumentation*, (pp. 1-14). College Publications.



COPYRIGHTS

© 2022 by the authors. Licensee PNU, Tehran, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY4.0) (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>)